

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۴ جنوری ۲۰۲۲



یونس نگاه

آزادی دین

(تبصره‌ای بر مسلمان شدن کریستوفر)

طالبان از جریان مسلمان شدن یک مرد ریش سفید ویدیو گرفته و آن را "دستاورد" دولت خود تبلیغ می‌کنند. می‌گویند این پیر مرد مسیحی بوده و اهل لندن است.

داشتن دین حق فردی است و افرادی که اختیار دین خود را دارند، خوش‌بخت می‌باشند. کریستوفر انسان خوش‌بخت است، چون متعلق به جامعه‌ای است که آزادی عقیده در آن جرم نیست و او بدون هراس از مجازات دولت بریتانیا و بدون تشویش از واکنش مردم لندن، ریش گذاشته و در حضور رسانه‌ها اعلان می‌کند که دیگر مسیحی نیست و مسلمان شده است. داشتن این آزادی غنیمت است. تغییر دین کریستوفر اگر بدون دغل و سیاست باشد، دستاورد جامعه لندن است نه طالبان. انگلیس‌ها باید به داشتن چنان دولتی افتخار کنند که به ساکنان کشور اجازه فکر کردن و انتخاب کیش می‌دهد. در افغانستان اما دین ابزار سیاسی است. دین‌داران گله‌ای بی‌اختیار اند. در افغانستان دین و تفکر، دین و آزادی، دین و اختیار را کنار هم نمی‌گذارند. هر افغان مسلمان زاده می‌شود و باید مسلمان بماند. حاکمان به این هم بسنده نمی‌کنند بلکه در نوع پوشش، خوراک، این که مردم چه را بخوانند و چه را نخوانند، با کی راه بروند و با چه کسی ننشینند، چند کیلومتر تنها حق راه رفتن دارند و بعد از آن باید همراه داشته باشند، مکتب بخوانند یا نخوانند، چقدر ریش بگذارند، کی‌ها باید چهره داشته باشند و کی‌ها نباید چهره خود را نمایان کنند، نیز تعیین تکلیف می‌کنند. آزادی کریستوفر غبطه آور است.

اعلان مسلمانی کریستوفر اما مؤمنانه نیست. مؤمن، ایمانش را ابزار نمی‌سازد، در حضور حاکم دین اختیار نمی‌کند، از جریان تغییر کیشش فلم نمی‌گیرد، زیرا دین تازه اختیار کردن مثل افتتاح شرکت تازه نیست که رسانه‌ها را دعوت کنید و به بازار اطلاع دهید. ایمان امر شخصی و روحانی است. مؤمن باید ایمانش را به خدایش حساب دهد و نتیجه ایمانش را از طریق گفتار و کردارش به جامعه بازپس دهد. اعلان تغییر کیش، سیاست است. ازین‌رو با مسلمان شدن کریستوفر،

نباید خوش‌حال شویم، چون یک تاجر تازه در بازار پر از خون و جنایت دینی افغانستان افزوده شده است و یک مورد تازه از خدعه‌های کهنه و تکراری جاسوسان و تاجران سیاسی فاش گردیده است. سیاست‌بازان انگلیس از بازی با دین ما خسته نمی‌شوند، چون هنوز ما به قدر کافی بیدار نشده‌ایم. در اواسط قرن نوزدهم افغانستان مثل امروز امیرالمؤمنین داشت و خارجیان بسیاری در ظاهر تغییر کیش داده وارد جامعه افغانستان می‌شدند. امیرالمؤمنین و اطرافیان‌شان نیز مثل دوستان خارجی‌شان از دین برای کنترل مردم استفاده می‌کردند.

امیر دوست محمد خان مثل امیران طالبان وقتی اجازه دور دوم امارتش را از گورنر جنرال بریتانیا در هند گرفت، برای دست‌بوسی از دیرمدون به کلکته رفت. آن‌جا لارد آکلند گورنر جنرال هند به او دو جلد تفسیر حسینی تحفه داد. امیرالمؤمنین آن را به‌فان نیک گرفته "بوسید و برچشم نهاد." لارد آکلند به تفسیر حسینی عقیده نداشت، ولی برای کنترل امیر از دین استفاده کرده بود.

دوست محمد خان نیز با آن‌که خود را امیرالمؤمنین می‌خواند به دین توده‌ها ایمان نداشت. او شراب می‌نوشید و موسیقی می‌شنید، ولی "اتباع" امارتش را به‌خاطر رقصیدن و شراب نوشیدن مجازات می‌کرد. در کتابی که آن سال‌ها به‌نام "زندگی امیر دوست محمد خان" در لندن، شهر آقای کریستوفر چاپ شده بود، نوشته‌اند که روزی امیرالمؤمنین اطلاع یافت که در خانه حسین نام، نوکر نواب عبدالصمد، تعدادی از زنان و مردان رقصیده و شراب نوشیده‌اند. او دستور داده بود که موی زنان آن محفل را بتراشند و ریش صاحب‌خانه را با شمع بسوزانند. توده‌ها و نوکران حق نداشتند کاری را که خان‌ها و شاهان می‌کردند، انجام دهند.

در همان کتاب لندنی نوشته شده است که امیرالمؤمنین شب‌ها موسیقی می‌شنید و در جمع دوستان صمیمی‌اش شراب می‌نوشید. در آن کتاب از امیرالمؤمنین دوست محمد خان نقل شده که گفته است وقتی شراب نمی‌نوشیدم مشکلات بسیار داشتم، اما از زمانی که شراب می‌نوشم، خوشبخت شده‌ام.

داشتن دینی که با آن افراد قصد تزکیه نفس و اخلاق خود را دارند حق است؛ اما آن چهره دین که ابزار سرکوب، وسیله تجارت و سوت حکومت می‌شود زشت و خطرناک می‌باشد. دین باید از چنگ جاسوسان و بازیگران قدرت رها شود!

There is then some talk of his early proceedings and of his future plans; and the wonder, the jealousy, and the ascendancy of foreign powers are discussed. Sometimes chess, and at other times music, were the favourite amusements of the evening. He amused himself generally in this manner till one hour past midnight. All the chiefs are then dismissed, and on

The Amir is now enjoying the authority in Kabul, and the superiority of his family. He is now fearless of an invasion from the West as well as from the East, and he has given himself up again to drinking and to dancing parties, which habits he had forsaken on assuming the title of "Amir-ul-momni." It is said he believes that while he was an enemy to wine he was always involved in difficulties, and that since

VOL. II.

2 κ|

498

THE AMIR RESTORED.

he drinks he is prosperous, and has gained his liberty after being in "Qaid i Frang," meaning in an English prison!

The life of Dost Mohd Khan volume II

238

HIS HABITS.

some women were drinking and dancing privately in the house of Husain, the servant of Nayab Abdul Samad, on which the Amir sent people to seize them. The punishment inflicted upon them for drinking wine against the Mohammedan law and his own notification was the infliction of deformity instead of their beauty, in order to prevent them from appearing again in drinking parties. Their heads were shaved, and the beard of the host was burnt by the flame of a candle! The Amir Dost Mohammed

امیرکبیر گفتار او را مسلم داشته، به دوستی دولت ایشان اعتراف نموده، بعد هر دو تن برخاسته با هم وداع کرده، چند قدمی گذاشته هنوز از هم جدا نشده بودند که دو جلد تفسیر حسینی با پوش کمخواب آورده پیش کشیدند. امیرکبیر آن را به فال نیک شمرده به خرسندی گرفته، به بوسید و بر چشم نهاده، بعد به ملازم خویش داد که با تعظیم نگاه دارد. و همچنین بعد از چند گام برداشتن دیگر، دو زنجیر پیل حوضه^۱ زده، و اسپان یراق طلا، برای نشستن و سواری امیرکبیر پیش کشیدند. امیرکبیر از گورنر جنرال جدا شده، مکتوبی برای عیال و اطفالش که این وقت در کرنال بودند، فرستاده خبر داده که ایشان از راه لودهیانه روی مراجعت به کابل نهند،

سراج التواریخ ج 1 ص 497